

**یرواند آبراهامیان: نابخردی در کابینه بوش سرانجام به جنگ منجر خواهد شد**  
**اقدامات آینده آمریکا برای فشار آوردن به ایران**  
**سناریوهای جنگی علیه ایران**  
**آیا جورج بوش تهدیدات خود را عملی خواهد کرد؟**  
**انتشار خطرات شیرین عبادی در آمریکا**  
**تایم و نیویورک تایمز: آمریکا باید به ایران ضمانت امنیتی بدهد**  
**ماهواره ایران: تحقیقات فضایی یا هدف های نظامی**

یرواند آبراهامیان: نابخردی در کابینه بوش سرانجام به جنگ منجر خواهد شد.

۲۸ آوریل ۲۰۰۶ - چهارشنبه این هفته در جلسه ای که از سوی فعالان ضد جنگ، با حضور نزدیک به چهارصد نفر در شهر نیویورک برگزار شد، یرواند آبراهامیان تاریخنگار و استاد دانشگاه به همراه دوتن دیگر، آقایان کاوه احسانی سردبیر نشریه «گفتگو» و تیموتی میچل استاد علوم سیاسی و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه نیویورک، در مورد احتمال شروع جنگ علیه ایران از سوی کابینه بوش سخنرانی کردند. سخنان هشدار دهنده یرواند آبراهامیان بیشترین توجه را برانگیخت. آقای آبراهامیان تاکنون چند کتاب تاریخی مهم راجع به ایران منتشر کرده است، از جمله: «ایران میان دو انقلاب»، «خمینیس»، «مجاهدین ایران» و «اعترافات زیر شکنجه».

یرواند آبراهامیان در سخنرانی ای که این هفته (۲۶ آوریل) در دانشگاه نیویورک ایراد کرد گفت: سیاست های کابینه بوش نسبت به ایران در حال حاضر شباهت بسیاری دارد با سیاست های آن در قبال عراق پیش از حمله نظامی به آن کشور. مهمترین شباهت، نابخردی امپراتورمنشانه است یعنی خود محوری و تکبر بی حصر که خیال می کند می تواند واقعیت را به هرنحو که بخواهد، به نفع خودش عوض کند.

از آنجا که آمریکا سالانه حدود ۵۵۰ میلیارد دلار خرج نیروی نظامی اش می کند، بر این باور است که می تواند نقشه جهان را عوض کند. اگر شما گفته های بعضی از نظریه پردازان کابینه کنونی در آمریکا را

خواننده باشید متوجه علاقه آنها به «قدرت» می شوید و اعتقاد آنها به استفاده از زور برای حل مشکلات. می توان گفته هایی از آنها نقل کرد که از سال های ۱۹۳۰ [در آلمان هیتلری] تاکنون هرگز در اندیشه سیاسی غرب شنیده نشده بود. از آنها می شنویم که جنگ امری طبیعی است. جنگ شخصیت را قوام می بخشد، حال آنکه صلح حالتی زنانه و مبتنی بر ضعف است. کسانی چون رامسفلد (وزیر دفاع) و دیک چینی (معاون رییس جمهور) چنین می اندیشند که آمریکایی ها جنگ را دوست دارند، فقط دوست ندارند در جنگ بازنده باشند؛ و یکی از مهمترین تاریخ پردازان چنین نظریه ای، که ایدئولوگ کابینه کنونی برای جنگ در خاورمیانه هم بوده، «برنارد لوئیس» است که گاه از «کالیگولا» [امپراتور خونخوار روم] نقل قول می کند که «در سیاست مهم نیست که مردم از شما تنفر داشته باشند، فقط باید مطمئن شد که از شما می هراسند و از ترس به شما احترام می گذارند.»

درست پیش از حمله به عراق، باور آمریکا این بود که دارای چنان قدرتی است که به محض ورود به عراق می تواند هرچه را که بخواهد عوض کند و دوباره به خواست خودش بسازد. ژنرال گاردنر به مشاورانش اطمینان داد که آمریکا فقط سه ماه در عراق خواهد ماند و ظرف آن سه ماه شخصی مانند احمد چلبی را روی کار می آورند و او دولتی سرسپرده آمریکا برپا می کند، صنعت نفت خصوصی شده و عراق وارد بازار آزاد اقتصادی خواهد شد و کمپانی های آمریکایی کنترل اوضاع را به دست خواهند گرفت. آمریکایی ها حتی یک قانون اساسی هم برای عراق نوشته بودند که در همین جا (دانشگاه نیویورک - NYU) تدوین شده بود.

همان زمان کسانی نظیر ژنرال زینی هشدار می دادند که چنین برنامه هایی خیالی و متعلق به یک سیارهء دیگر است! نظریه پردازان دولت بوش را به طور معمول «نو محافظه کار» خوانده اند، من آنها را «نو معجون» می نامم! دو هفته پس از اشغال عراق، شیعیان تظاهراتی با شرکت دومیلیون نفر به راه انداختند و نشان دادند که چه کسی زور واقعی را در اختیار دارد. به استثنای مناطق کرد نشین، آمریکا هیچ قدرت و اعتباری در عراق ندارد.

حال همان سناریو در مورد ایران دارد تکرار می شود. کابینه بوش خیال می کند با تهدید و دادن اخطار و اولتیماتوم، ایران را می ترساند و به زانو در می آورد. مسأله آنها سلاح هسته ای نیست بلکه هر نوع برنامه و نیروی هسته ای در ایران است. تصور می کنند چون قدرت و زورشان زیاد است، ایران را «سر عقل» می آورند. اما آنها هیچ چیز از تاریخ ایران نمی دانند. ظرف صد سال گذشته، قدرت های امپریالیستی از این

اولتیماتوم ها به ایران زیاد داده اند. در تاریخ نگاری ایران، کسانی قهرمان تلقی می شوند که همه این اخطار ها را نادیده می گیرند. کسانی خائن شمرده می شوند که به این اخطار ها تسلیم می شوند.

دولت آمریکا همیشه تهدید می کند که اگر این اولتیماتوم ها مؤثر واقع نشد، آنها از زور استفاده خواهند کرد و دست به بمباران ایران خواهند زد. آنها همزمان ادعا می کنند این کار نه تنها احتمال اتمی شدن ایران را منتفی می کند بلکه به «تغییر رژیم» هم می انجامد! برای آنها حل «بحران اتمی ایران» در گرو «تغییر رژیم» است. برداشت آنها این است که بعد از بمباران هوایی، مردم ایران هم قیام می کنند و رژیم اسلامی از قدرت ساقط می شود. دوباره فرض بر این است که کاراکترهایی شبیه احمد چلبی زمام امور را در ایران به دست خواهند گرفت. بازهم ژنرال زینی و نظامیانی نظیر او هشدار داده اند که چنین خیالاتی متعلق به یک سیاره دیگر است! (اپوزیسیون دولت بوش لیبرال ها نیستند بلکه ژنرال های ارتشی اند که خودشان از نزدیک با اوضاع آشنا هستند!)

اما عواقب بمباران چه خواهد بود؟ رژیم اسلامی اعلام وضع اضطراری خواهد کرد. هرشکلی از نارضایتی به شدت سرکوب خواهد شد. جنبش اصلاحات دست کم برای یک نسل یا دو نسل عقب رانده خواهد شد. هر کسی در راه دموکراسی و حقوق بشر در ایران مبارزه می کند باید این را تشخیص بدهد که اقدامات آمریکا برای هدف آنها نتیجه معکوس خواهد داد و هرگز به هیچ شکلی از آزادسازی (لیبرالیزه شدن) نخواهد انجامید. اقدامات آمریکا به خودکامگی بیشتر و سرکوب بیشتر در ایران منجر خواهد شد. ارتجاع در ایران از همیشه پابرجاتر شده، و به دنبال آن، عراق نیز به یک فاجعه، یک جهنم واقعی برای آمریکا تبدیل خواهد شد.

\*\*\*

## اقدامات آینده آمریکا برای فشار آوردن به ایران

۲۵ آوریل ۲۰۰۶ - «نیویورک تایمز» امروز (۲۵ آوریل) گزارش داد که دولت ایران به سازمان بین المللی انرژی اتمی گفته است حاضر نیست به سوآلات این سازمان در مورد دومین برنامه غنی کردن اورانیوم یعنی برنامه چرخه های اتمی «پی - دو» (P-2) پاسخ بدهد. این برنامه ای محرمانه است که از وجود آن برای نخستین بار خود رییس جمهور ایران پرده برداشت. منبع خبر نیویورک تایمز دیپلمات های اروپایی و آمریکایی اند.

دیپلمات‌های اروپایی به «نیویورک تایمز» گفته‌اند ایران حاضر نیست در مورد بخش‌های دیگری از برنامه هسته‌ای کنونی‌اش، که سازمان انرژی اتمی در موردشان حساسیت نشان داده، و می‌تواند در تولید سلاح‌های هسته‌ای به کار روند، پاسخگو باشد. سرسختی رژیم ایران بنا به نوشته تایمز به معنی آن است که ایران مصمم است به رویارویی‌اش با غرب ادامه دهد. گزارشی که قرار است هفته آینده دکتر محمد البرادعی به شورای امنیت بدهد به احتمال زیاد نسبت به ایران انتقاد آمیز خواهد بود و برای ایران تأثیرات منفی در بر خواهد داشت.

گزارش‌های سازمان انرژی اتمی همچنین نشان می‌دهند که ابهاماتی در مورد برنامه غنی کردن پلوتونیوم و پروژه‌ای به نام «پروژه نمک سبز» (Green Salt Project) وجود دارد که از دید مقامات سازمان بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد ارتباطاتی میان سه بخش تدارک اورانیوم، مواد منفجره بسیار پیشرفته، و برنامه طراحی‌های موشکی ایران وجود دارد.

چنانچه ایران همچنان از پاسخگویی طفره رود، احتمال اینکه شورای امنیت با بکارگرفتن اصل هفت منشور سازمان ملل تحریمات اقتصادی علیه ایران را تصویب کند بیشتر خواهد شد.

یکی از تحلیل‌گران امور خاورمیانه، آقای مهرزاد بروجردی، به خبرنگار روزنامه «اینترناشنال هرالڈ تریبون» (۲۵ آوریل) گفته است تا همین چند روز پیش ایران حاضر شده بود به طور مستقیم با آمریکا مذاکره کند و برای این کار سفیر مخصوصی نیز در عراق تعیین کرده بود. اما به گفته آقای بروجردی، که مدیر بخش مطالعات خاورمیانه در دانشگاه سیراکیوز (ایالت نیویورک) است، پس از آنکه آمریکا نسبت به مذاکرات مستقیم کمی تردید نشان داد، ایران نیز خود را عقب کشید تا احساسات ناسیونالیستی داخلی را همچنان پشت سر خود داشته باشد و به نظر نرسد برای مذاکرات به استیصال افتاده است.

هفته‌نامه «تایم» می‌نویسد ایران تعدادی از حساب‌های بانکی‌اش را از اروپا به کشورهای حوزه خلیج فارس منتقل کرده است. از همین رو، معاون وزیر امور خارجه آمریکا آقای رابرت جوزف به هفت کشور خاورمیانه سفر کرده تا این کشورها را متقاعد کند که هیچ سهولتی برای ایران در کسب دانش و تکنولوژی هسته‌ای فراهم نکنند. وزارت امور خارجه آمریکا یک گروه مشاور استخدام کرده است تا در مورد کمپانی‌های اروپایی‌ای که در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند تحقیق کند.

روزنامهء محافظه کار «وال ستریت جورنال» در سرمقاله ای نوشته است (۲۱ آوریل) که با افشای برنامهء جدید غنی سازی، این گفته که ایران تا ساختن بمب اتم هنوز ده سال فاصله دارد دیگر حالت خیالبافی دارد. بحران ایران بحرانی برای کابینهء کنونی آمریکا است نه کابینه های آینده، و جورج بوش فقط ۳۳ ماه دیگر وقت دارد که برای این «خطر حاضر و واضح» در لحظهء کنونی چاره ای بیندیشد. این روزنامه نتیجه می گیرد هرچند نباید هنوز راههای دیپلماسی را کنار گذاشت، به دیپلماسی به تنهایی نیز نباید امید زیادی بست.

\*\*\*

### سناریوهای جنگی علیه ایران

۱۸ آوریل ۲۰۰۶ - در گزارشی از چند و چون طرح های جنگی پنتاگون برای ایران که این هفته در روزنامهء «واشنگتن پُست» به چاپ رسید، خبرنگار این روزنامه می نویسد: «برنامه های اضطراری جنگ تمام عیار، یا حتا یک حملهء ضربتی ناگهانی علیه ایران، در لحظهء حاضر ممکن است باورکردنی به نظر نرسد. اما در دنیای محرمانهء فرماندهی نظامی و برنامه ریزان جنگی، وجود چنین طرح هایی یک واقعیت روزمره است.» واشنگتن پست از پیش نویس سناریوهایی گزارش می دهد که همهء جنبه های یک جنگ سراسری را در بر می گیرد، از جمله «استقرار نیروها و عملیات تثبیت اوضاع در پایان جنگ و پس از تغییر رژیم.»

هفتهء گذشته جورج بوش و وزیر دفاع کابینه اش دانالد رامزفلد، هریک جداگانه، انکار کردند که دولت آمریکا به طور جدی بررسی طرح های نظامی علیه ایران را آغاز کرده. آقای رامزفلد گفت، گزارش های رسانه ها در این مورد به «دنیای خیالات» مربوط است و صحبت از برنامه های اضطراری «کار سودمندی نیست». اما «ویلیام آرکین» خبرنگار روزنامهء «واشنگتن پست» که اکنون بیش از بیست سال است که از برنامه ریزی های جنگی آمریکا گزارش تهیه می کند و به گفتهء خودش «در دنیای در بستهء نظامیان رابط و دوستانی برای خود دست و پا کرده»، دو روز پیش (۱۶ آوریل ۲۰۰۶) نوشت: «وزیر دفاع اشتباه می کند.»

خبرنگار روزنامهء واشنگتن پست اعتقاد دارد بحث در مورد طرح های جدی و واقعی جنگی علیه ایران، اهمیت زیاد دارد و حتا به بهبود مذاکرات دیپلماتیک هم کمک می کند؛ زیرا اگر رژیم ایران درک کند

که آمریکا، برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی، حاضر است به طور جدی وارد جنگ شود، شاید از پافشاری دست بردارد.

همزمان با تدارک اشغال نظامی عراق، ارتش آمریکا بررسی و تحلیل یک جنگ تمام عیار علیه ایران را نیز آغاز کرد. این طرح طبق گزارش واشنگتن پست «تیرانت» نام دارد که مخفف عبارت «صحنه تئاتر ایران در زمان نزدیک» (TIRANNT - Theater Iran Near Term) است. در اصطلاحات ارتش آمریکا، مرحله صحنه تئاتر (theater-level) به معنی جنگ تمام عیار است. طرح «تیرانت» شامل تهاجم نیروی دریایی آمریکا و نابودی نمونه های بدلی نیروی موشکی ایران است. این طرح از سه سال پیش تا کنون بارها مورد بازبینی قرار گرفته تا درس های اشغال عراق نیز در آن ادغام شود.

در طرح «تیرانت» نیروی هوایی آمریکا روی مدل حمله به مراکز دفاع هوایی ایران تمرین می کند و نیروی دریایی آمریکا بر روی کنترل تنگه هرمز در خلیج فارس. طرح عملیاتی دیگری، چگونگی پیاده کردن قوای دریایی از کشتی به ساحل را تحلیل می کند در یک کشور نفتی فرضی که توسط انقلابیان مذهبی و گاردهای انقلابی اداره می شود.

واشنگتن پست از دو طرح دیگر به نامهای «ایران - دفاع موشک های بالیستیکی» (BMD-I) و «کان پلان ۸۰۲۲» (CONPLAN 8022) نام می برد. اولی، ارزیابی تعداد موشکهای است که از سوی ایران می تواند به طور بالقوه از دیوار دفاعی آمریکا عبور کند؛ و دومی، شروع یک جنگ تمام عیار به فاصله دوازده ساعت از صدور فرمان رییس جمهور آمریکا. در طرح دوم، احتمال اینکه استفاده از نیروی تاکتیکی هسته ای هم ضروری شود، پیش بینی شده است.

روزنامه واشنگتن پست هشدار می دهد آنچه وضعیت را به طور بالقوه خطرناک تر می کند ضرورت واکنش سریع است که هر نوع اتفاق پیش بینی نشده ای، مثل سقوط یک هواپیمای جاسوسی در خاک ایران یا به دام افتادن اعضای تیم عملیات «سیا» در ایران، یا هر مقابله نظامی اتفاقی دیگری، می تواند جرقه آن را بزند و حریق جنگ را بگستراند.

\*\*\*

آیا جورج بوش تهدیدات خود را عملی خواهد کرد؟

۱۴ آوریل ۲۰۰۶ - در حالیکه بیشتر روزنامه های آمریکا و همچنین سازمان های امنیتی این کشور به صراحت گزارش داده اند ایران تا چند سال دیگر قادر نیست به تسلیحات اتمی دست پیدا کند، احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران در رسانه های این کشور با جدیت بیشتری مطرح می شود. بعضی از مفسران می پرسند شدت گرفتن لحن جورج بوش و کاندولیزا رایس در روزهای اخیر آیا فقط به منظور تهدید است یا خبر از نیت واقعی دولت آمریکا برای رویارویی با ایران می دهد.

طبق تازه ترین نظرخواهی در آمریکا که توسط روزنامهء لوس آنجلس تایمز و شرکت بلومبرگ انجام گرفته نیمی از مردم این کشور نگرانی روزافزون شان را از یک رژیم اتمی در ایران ابراز کردند. در این نظرخواهی پرسیده شده است که: «اگر ایران کماکان به تولید موادی ادامه دهد که بتواند در تولید سلاح اتمی به کار رود، آیا شما از اقدام نظامی [علیه این کشور] حمایت می کنید؟» چهل و هشت درصد پاسخ مثبت و چهل درصد پاسخ منفی داده اند. اکنون از هر ده آمریکایی، شش نفر اعتقاد دارد که کسب سلاح اتمی از سوی ایران به واقعیتهای اجتناب ناپذیر تبدیل شده.

در عین حال، در همین نظرخواهی مردم آمریکا اعتماد کمتری نسبت به رهبری کشورشان نشان داده اند و درستی تصمیم احتمالی جورج بوش را برای یک جنگ دیگر مورد تردید قرار داده اند. (نیوزدی، ۱۳ آوریل)

این در حالی است که رسانه های لیبرال آمریکا بر آن اند که ایران تا چندین سال قادر نخواهد بود به تسلیحات اتمی دست پیدا کند. روزنامهء نیویورک تایمز (۱۳ آوریل) در صفحهء اول اش به نقل از سه کارشناس در دو مؤسسهء «انستیتوی علوم و امنیت ملی» و «مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی» که هر دو در شهر واشنگتن قرار دارند، می نویسد ادعاهای اخیر دولت ایران اغراق شده است و بیشتر حاکی از «ژست های توخالی سیاسی» است. این کارشناسان اعتقاد دارند ایران در حال حاضر فقط دارای قطعات کافی برای حداکثر هزار تا دو هزار چرخهء غنی سازی جدید است، و تولید اورانیوم غنی شده برای ایران تا سال ها امکان پذیر نخواهد بود.

مفسر روزنامهء «کریستیان ساینس مانیتور» امروز (۱۴ آوریل) نوشت به شهادت گفته ها و عملکرد جورج بوش در گذشته، وقتی که بوش ادعا می کند اجازه نخواهد داد ایران سلاح اتمی کسب کند، او گفته اش

را عملی خواهد کرد. خطر رژیم اتمی اسلامی متفاوت است از خطر دولت های دیگری که از سلاح هسته ای به عنوان وسیله ای برای معامله و چانه زنی و نیز به طور تدافعی به عنوان وسیله پیشگیری (deterrence) پیشگیری از حمله دشمن) استفاده می کنند.

مفسر کریستین ساینس مانیفور می نویسد: «نگرانی در مورد ایران دو جانبه است. یکی اینکه ایران می توان سلاحی هسته ای را در اختیار شبکه ترور قرار بدهد بدون آنکه بتوان آن را ردگیری کرد و در نتیجه آمریکا نمی تواند مقابله به مثل کند. دیگر اینکه کیش شهادت در اسلام شیعی و نیز در ایدئولوژی دولت ایران به نحوی است که نظریه پیشگیری را بی معنی می کند.»

جورج بوش گفته است یکی از درس های یازدهم سپتامبر این است که «ما باید تهدیدات را پیش از آنکه صدمه اش وارد شود جواب بدهیم.» علاوه بر این، اهمیت کشور اسرائیل برای آمریکا به مراتب بیشتر از اهمیت این کشور برای اروپا است و رژیم اتمی اسلامی، خطر نابودی اسرائیل را در بردارد.

معاون امنیت ملی در دولت آمریکا آقای توماس فینگر به روزنامه نیویورک تایمز گفته است که «سازمان های امنیتی ما اتفاق نظر دارند که ایران نمی تواند دستکم تا پیش از سال ۲۰۱۰ به سلاح های اتمی دست پیدا کند.» با این همه، نتایج همه پرسشی اخیر نشان می دهد که تبلیغات کابینه بوش علیه ایران و نیز تحریکات رهبری ایران احساس ناامنی مردم آمریکا را فزونی بخشیده است.

\*\*\*

## انتشارِ خاطراتِ شیرین عبادی در آمریکا

۱۱ آوریل ۲۰۰۶ - ماه آینده، انتشارات معروف راندوم هاوس خاطرات شیرین عبادی را به زبان انگلیسی در ایالات متحده آمریکا منتشر خواهد کرد. شهرت خانم عبادی به عنوان معروف ترین حقوق دان و فعال حقوق بشر در ایران و برنده جایزه صلح نوبل (۲۰۰۳) به احتمال زیاد توجه منتقدان و روشنفکران آمریکایی را به کتاب او جلب خواهد کرد. این هفته، روزنامه نیویورک تایمز در مجله ضمیمه اش (۹ آوریل) بخش کوتاهی از این خاطرات را به چاپ رساند که در آن خانم عبادی از قتل های زنجیره ای یاد می کند.

در پاییز سال دوهزار میلادی، شیرین عبادی پس از ده سال کار مستمر در دفاع از قربانیانی چون کودکان و زنان آزار دیده و زندانیان سیاسی در دادگاه های ایران، با دردناک ترین روزهای دوران اشتغال اش رویا رو می شود. رژیم ایران، حاضر می شود پروندهء روشنفکرانی را که به دست مأموران وزارت اطلاعات به طرز فجیعی به قتل رسیده بودند در اختیار او بگذارد تا به وکالت از سوی خانوادهء قربانیان، اقدام به دادخواهی کند.

پرونده ای شامل هزاران صفحه اطلاعات از مدارک و اقرارات متهمان، در مهلتی فقط به مدت ده روز، در اتاقی برهنه در محل دادگاه در اختیار او و همکاران اش قرار می گیرد تا در فضایی مضطرب، حقایق قتل دهشتناک زن و شوهری سالخورده را به دست مؤمنان دشنه به دست بیرون بکشند. در کنار خانم عبادی، زن جوان دیگری نیز در سکوت صفحات این پرونده را ورق می زند؛ نام او پرستو فروهر است.

خانم عبادی می نویسد: «نورآفتاب از پشت شیشه های چرک گرفتهء اتاق بالا می آمد و ما همچنان در سکوت روی میز پرونده قوز کرده بودیم و به جز خش خش کاغذ صدایی شنیده نمی شد. بخش های مهم پرونده، یعنی گفته های متهمان، در میان صفحات بی شماری از زیاده گویی های بوروکراتیک دفن شده بود؛ اما همان اقرارها، توصیف تاریک قتل های دهشتبار بود - یکی از قاتلان با هر ضربهء کارد که بر تن قربانی اش فرو می نشاند فریاد می زد یا زهرا، یا زهرا، به نشانهء تکریم دختر پیامبر.»

در سکوت، مطالعه پرونده ادامه می یابد تا حوالی ظهر که ناگهان چشمان خانم عبادی بر جمله ای می افتد که او را در جا میخکوب می کند. جمله ای که یکی از اعضای جوخهء آدم کشان به سر کرده اش که وزیر دولت است می گوید. جمله ای که گلوی این حقوق دان کوچک اندام را منقبض و دیدگان اش را تار می کند: «نفر بعدی که باید کشته شود شیرین عبادی است.»

آدم کش مؤمن از وزیر می خواهد حکم قتل را صادر کند و وزیر دولت اسلامی می گوید اجرای این فریضه را باید تا پایان ماه مبارک رمضان عقب بیندازیم.

خانم عبادی می اندیشد که در میان مصطلحات کسانی که اسلام را این گونه تعبیر می کنند، ریختن خون عده ای، از جمله خود او، «حلال» خوانده می شود، یعنی خدا آن را مجاز شمرده است.

شیرین عبادی می نویسد، در پایان آن روز، «در میان سر و صدای ترافیک تهران و اتوموبیل های قدیمی پرسر و صدا پا به خیابان گذاشتم و تاکسی گرفتم که مرا به خانه ببرد. با شتاب خودم را به داخل رساندم، لباس از تن در آوردم و ساعتی تمام زیر قطرات آب حمام نشستم تا چرک و پلشتی آن پرونده ها را از وجودم پاک کنم؛ و فقط پس از آن بود که، به دنبال صرف شام و بعد از آنکه دخترانم به خواب رفتند، توانستم قصه ام را برای همسرم بازگو کنم.»

مسیان قتل های زنجیره ای هرگز تسلیم عدالت نشدند.

\*\*\*

تایم و نیویورک تایمز: آمریکا باید به ایران ضمانت امنیتی بدهد

۷ آوریل ۲۰۰۶ - پس از آنکه جواد ظریف، سفیر ایران در سازمان ملل متحد، اعلام کرد ایران برای مذاکرات مستقیم با آمریکا آمادگی دارد، رسانه های لیبرال آمریکا بار دیگر تأکید کردند که کابینه بوش باید هرچه زودتر به مذاکره مستقیم با ایران پرداخته و به این کشور ضمانت های امنیتی بدهد که به خاک آن حمله نخواهد کرد. بنا به نوشته فاینانشال تایمز، یک مقام عالی رتبه ایرانی به طور غیر رسمی به واشنگتن آمده تا مقدمات گفتگوی مستقیم با آمریکا را تدارک ببیند.

پنج شبه گذشته جواد ظریف سفیر ایران در سازمان ملل در ستون سرمقاله های روزنامه نیویورک تایمز طی مقاله ای نوشت: «فشار و تهدید به حل مسایل کمکی نمی کند. یافتن راه حل مستلزم اراده سیاسی و تمایل به مذاکره جدی است. ایران آماده چنین کاری است.» آقای ظریف بار دیگر و به طور رسمی به کابینه بوش و مردم آمریکا اعلام کرد که دولت ایران آماده گفتگوی مستقیم با آمریکاست. اما کابینه بوش هنوز اصرار دارد دامنه مذاکرات به مسایل عراق محدود بماند.

طبق گزارش فاینانشال تایمز (۷ آوریل) یک مقام عالی رتبه ایرانی به نام محمد نهاوندیان به واشنگتن آمده تا تلاش کند امکانات مذاکره مستقیم با آمریکا را فراهم گرداند. هیأت ایران در سازمان ملل گفته است آقای نهاوندیان برای کارهای خصوصی بازرگانی به آمریکا آمده و مأموریت رسمی ندارد. آقای نهاوندیان سمت های مهمی در دولت ایران داشته از جمله معاونت اقتصادی و فناوری شورای عالی امنیت ملی ایران، و رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران. آقای نهاوندیان دکترای تخصصی اقتصاد از

دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا را داراست. او در دولت محمد خاتمی معاون وزیر بازرگانی بود. کاخ سفید از حضور آقای نهبوندیان در واشنگتن اظهار بی اطلاعی کرده است.

در حالیکه عالی ترین مقامات دولت ایران، با تأیید رهبری، قصدشان را برای مذاکرات مستقیم با آمریکا برای کاهش بحران میان دو کشور اعلام کرده اند، خانم کاندالیزا رایس و جان بولتون سفیر آمریکا در سازمان ملل با هم بر اقدامات تنبیهی علیه ایران انگشت گذاشتند. آقای بولتون این هفته در یک نشست صبحانه با خبرنگاران، حتا اشاره کرد اگر ایران همانند لیبی تسلیم نشود، امکان دارد کابینه بوش گزینه هایی خارج از چارچوب سازمان ملل را به عمل در آورد.

روزنامه نیویورک تایمز در گفتگویی با یک متخصص ارشد امور خاورمیانه در ستاد فکری «بروکینگز اینستیتوشن» می نویسد، کابینه بوش رژیم ایران را اساساً «یک رژیم نامشروع» می داند و سیاست های آن، اعم از دیپلماتیک یا غیردیپلماتیک، معطوف به تغییر رژیم است.

هفته نامه تایم نیز این هفته (تاریخ روی جلد، دهم آوریل) در تفسیری انتقادی می نویسد، کابینه بوش باید از اروپاییان تبعیت کند و بپذیرد که تغییر رژیم باید با فشار از درون صورت بگیرد. فشار از خارج دست رهبران ایران را قوی تر می کند. حمله نظامی به ایران نیز باعث هرج و مرج و ناامنی در منطقه خواهد شد. مجله تایم می نویسد: «ضمانت های امنیتی که شامل قول قطعی و بی قید و شرط به تهران دائر بر این که هرگز مورد حمله قرار نخواهد گرفت، کمک خواهد کرد که روابط دو کشور عادی شده و ایران دیگر انگیزه ای برای کسب سلاح اتمی و دفع خطر نداشته باشد.»

تایم نتیجه می گیرد چنانچه در کنار تهدیدات مربوط به تحریم های اقتصادی، ضمانت های امنیتی به عنوان پاداش ارائه نشود، دولت ایران تن به فشار نخواهد داد و تلاش های دیپلماتیک برای حل صلح آمیز بحران اتمی ایران ناکام خواهد ماند.

\*\*\*

## ماهواره ایران: تحقیقات فضایی یا هدف های نظامی

۴ آوریل ۲۰۰۶ - امروز (چهارم آوریل) روزنامه نیویورک تایمز در مقاله بلندی که به موضوع ماهواره تحقیقاتی ایران اختصاص دارد این پرسش را مطرح می کند که آیا هدف های ایران از پرتاب این ماهواره به فضا، که با کمک و همکاری روسیه عملی می شود، صرفاً فناوری فضایی است یا این اقدام را هم باید بخش دیگری در طرح بزرگ هسته ای ایران به شمار آورد؟ تایمز می نویسد واشنگتن در حال بررسی است که برای فشار به ایران در جهت متوقف کردن غنی سازی مواد اتمی، از روسیه بخواهد کمک و پشتیبانی اش را از برنامه فضایی ایران متوقف کند.

ماهواره ای که در ماه اکتبر گذشته از جانب شورای عالی فضایی ایران و وزارت ارتباطات، توسط کشور روسیه به مدار کره زمین فرستاده شد، اکنون بنا به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، موضوع نگرانی تازه ای در واشنگتن شده است. تایمز (۴ آوریل) می نویسد: «با معیارهای بین المللی این ماهواره کوچک است و بیش از چندصد پاند وزن ندارد؛ آن هر نود و نه دقیقه دور کره زمین می گردد و با دوربین گزارش مصور می فرستد... اما اکنون در واشنگتن و سایر پایتخت های جهان این پرسش به طور جدی مطرح است که تلاش های ایران در این راه فقط برای گسترش توان تکنیکی است یا بخشی از برنامه هسته ای این کشور.»

تعدادی از تحلیلگران دولتی در غرب اعتقاد دارند این مرحله تازه ای از تلاش های ایران برای در اختیار گرفتن فناوری های بسیار پیچیده است که موشک و ماهواره را به قصد پیشرفت در راه هدف های هسته ای به کار می گیرد. دکتر جان شلدون، تحلیلگر «مرکز دفاع و امنیت بین المللی» در بریتانیا در گزارشی در باره برنامه فضایی ایران می نویسد: «ایران با پشتکار و صبر نشان داده است که آماده است برای رسیدن به هدف هایش وارد یک بازی دراز مدت بشود.»

دکتر آنتونی اچ کوردزمن، تحلیلگر نظامی که برای «مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی» در واشنگتن کار می کند، معتقد است هرچند درحال حاضر ماهواره ایران جنبه تجربی و تحقیقاتی دارد اما امکانات بالقوه آن را نباید نادیده گرفت. یک تحلیلگر فضایی دیگر به نام دیوید سی رایت، که عضو یک گروه سیاسی در کمبریج (ایالت ماساچوست) به نام «اتحادیه دانشمندان متعهد» است، اعتقاد دارد باید از نزدیک برنامه های فضایی ایران را زیر نظر گرفت.

علاوه بر ایران کشورهای دیگری نظیر یونان، الجزایر و اسپانیا هم دارای ماهواره هستند، اما تعداد کمی از کشورها دارای موشک هایی هستند که بتواند ماهواره را به مدار بفرستد. در خاورمیانه تنها اسرائیل از این قابلیت برخوردار است. مقامات آمریکایی معتقدند موشک های میان قاره ای ایران به احتمال زیاد تا سال ۲۰۱۵ آماده خواهند شد.

نیویورک تایمز از یک دانشمند ایرانی به نام مصطفی صفوی که در دانشگاه امیرکبیر کار می کند نقل می آورد که ماهواره ایران می تواند به معلومات نظامی هم کمک کند و از جمله قادر است «کشتی هایی که در بنادر تجاری یا نظامی رفت و آمد می کنند را رد گیری کند.» همین روزنامه به نقل از آقای احمد طالب زاده یکی از مدیران برنامه فضایی ایران نقل می کند که ماهواره «سینا-یک» می تواند برای جاسوسی از اسرائیل مورد استفاده قرار گیرد.

متخصصان غربی هنوز امکانات ماهواره سینا را بسیار مقدماتی ارزیابی می کنند. موشک های شهاب چهار و شهاب پنج که هنوز در مرحله توسعه هستند به طور بالقوه در آینده می توانند حامل ماهواره برای فرستادن به مدار باشند. دولت آمریکا هنوز به طور رسمی به برنامه فضایی ایران اعتراضی نکرده است. اما یک مقام ارشد دولتی به طور محرمانه به خبرنگار تایمز گفته است که واشنگتن در حال بررسی این است که برای فشار به ایران در جهت متوقف کردن غنی سازی مواد اتمی، از روسیه بخواهد کمک و پشتیبانی اش را از برنامه فضایی ایران متوقف کند.

عبدی کلانتری - نیویورک